

در جهان امروز
جمهوری‌های
متنوعی وجود دارند:
از جمهوری‌های
فروپاشیده یا
ناجمهوری‌ها که
دولت‌های ضعیف
و بی‌ثبات و جمهور
ناهمگن با هویت
چندپاره دارند تا
جمهوری‌های
اقتدارگرا و توتالیتر
که دولت‌های
قوی‌تر و جمهور
ضعیف‌تری
دارند و سرانجام
جمهوری‌های
خوش‌اندام و
مردم‌سالار.

فراوانی نیز در پی داشت. وجود تفسیرهای گوناگون در عرصه‌های نظری و عملی را به طور عمده در نحوه تعامل و توافق دو مفهوم کلیدی جمهوریت و اسلامیت می‌توان جست‌وجو کرد. برخی معتقدند نمی‌توان توأمان در یک حکومت به دو منشأ مشروعیت، یعنی انتخاب مردم و نصب الهی، نظر داشت؛ چراکه وجود این دو منشأ موجب تراحم است و ساختار حکومتی را دوگانه می‌کند؛ بنابراین راه حل رفع تراحم را باید حذف اصالت یکی از دو منشأ مشروعیت دانست. این بحث مدتی است که با عناوین دیگری چون «اسلام و دموکراسی» در میان نخبگان فکری و جریان‌های سیاسی منازعات زیادی را به دنبال داشته است.

عده زیادی از صاحب‌نظران نیز نظام جمهوری اسلامی را مرکب از دو عنصر اسلام و جمهوریت می‌دانند و برای مردم جایگاه ویژه‌ای در مشروعیت نظام قائل‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید: «دومین مطلب، تکیه بر مردم است، همان طور که عرض کردم، هیچ‌کس در نظام اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند.

حالا بعضی رأی مردم را پایه مشروعیت می‌دانند، لاقلاً پایه اعمال مشروعیت است. بدون آرای مردم و بدون تحقق خواست مردم خیمه نظام اسلامی برپا نمی‌شود و نمی‌ماند» (روزنامه رسالت، ۱۳۷۸/۳/۱۶). آیت‌الله جوادی آملی نیز چنین معتقد است: «نظام جمهوری اسلامی ایران از دو عنصر محوری اسلام و جمهوریت تشکیل شده است» (هفته‌نامه عصر ما، ۱۳۷۷/۱/۲۰)، اگرچه ایشان این دو عنصر را هم‌وزن نمی‌دانند و می‌گویند که «فخر جمهوریت در این است که اسلام را پذیرفته است» (روزنامه کیهان، ۱۳۷۷/۳/۱۸). عده زیادی از نخبگان فکری و سیاسی توأمان بودن اسلامیت و جمهوریت در نظام سیاسی پس از انقلاب را پذیرفته‌اند، در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند: مشروعیت حکومت از ناحیه مردم نمی‌آید، بلکه از ناحیه خدا می‌آید، مردم چیزی ندارند که به حاکم بدهند نه کل جامعه، نه قشر خاصی از جامعه، نه نخبه‌های جامعه، نه فلاسفه و حکمای جامعه، نه اشراف و ثروتمندان، نه علمای جامعه و نه هیچ قشر و طبقه‌ای از جامعه حق ندارند که حاکمیت را به حاکم واگذارند.

در حکومت اسلامی طبق تئوری ولایت فقیه، مردم نیستند که به حکومت مشروعیت می‌دهند، مردم فقط حمایت از حکومت را اجرامی‌کنند (روزنامه رسالت، ۱۳۶۹/۱۰/۶). تا جایی که برخی مدعی شدند: حضرت امام (ره) اگر جمهوریت را مطرح کردند از باب اضطرار بوده، یعنی ایشان اعتقاد به جمهوریت به معنای رایج امروزی‌اش در دنیا ندارند [...] امام حکم جمهوریت را از باب ناچاری در آوردند [...] بنده بر این باورم که امام به شایسته‌سالاری